

## ت مثل تروتسکی: قهرمانی که باید تمام تقصیرها را به گردن می‌گرفت

در سراسر تاریخ جنبش طبقه‌ی کارگر شخصی را نمی‌توان تجسم نمود که سرنوشتی آمیخته از قهرمانی و حزن انگیزتر از تروتسکی داشته باشد. «تروتسکی» به عنوان رئیس شوراهای «سن پترزبورگ» در مرکز سازماندهی انقلاب اکتبر قرار داشت. او ارتش میلیونی سرخ را سازماندهی و بنا نمود. او به همراه لنین با هدایت جنبش بین‌الملل کمونیستی، میلیون‌ها کارگر را در سراسر جهان رهبری کرد. اما تروتسکی زندگی‌اش را به عنوان یک انقلابی تحت تعقیب که تنها تعداد کمی پیرو و همین‌طور تأثیر بسیار کمی بر حوادث گذاشت، به پایان برد.

«تروتسکی» در سال ۱۹۰۶ میلادی به تکامل «تنوری انقلاب مداوم» پرداخت. این تنوری، کردار و پندار تروتسکی را تا آخر عمر جهت داد. هسته‌ی اصلی این تنوری، بازشناسی اثر متقابل مابین سرمایه‌داری بین‌المللی و عقب‌افتادگی روسیه تزاری بود. تروتسکی استدلال کرد مسأله‌ی ضروری این است که انقلاب دموکراتیک دهقانان برای نابودی فئودالیسم در روسیه (انقلاب در یک کشور) با انقلاب سوسیالیستی (انقلاب جهانی) ترکیب شود.

تروتسکی با تنوری انقلاب مداوم خود حتی از لنین نیز پیشی گرفت؛ او در شرح تنوری خود از تأثیر ناگزیر انقلاب روسیه بر جنبش کارگری جهان و

شکست اجتناب ناپذیر پرولتاریای روسیه در صورتی که انقلاب جهانی شکست بخورد و قادر به کمک به آن ها نباشد، سخن راند.

انقلاب اکتبر اثباتی شد بر تنوری تروتسکی، در حالی که انزوای کارگران روسیه بعد از شکست انقلاب آلمان، تأکیدی منفی بر این تنوری گردید.

فصل جدیدی در زندگی تروتسکی با مبارزه بر علیه بوروکراسی، دفاع از دموکراسی کارگری در روسیه و همین طور تبدیل بین الملل انقلابی به شعبه‌ی دولتی حکومت استالینیستی، آغاز شد.

تروتسکی در سال ۱۹۲۹ از روسیه اخراج و در سراسر اروپا به وسیله‌ی جاسوسان استالین مورد تعقیب قرار گرفت. بیش تر اقوام او به دست حکومت استالین کشته شدند و او سرانجام مجبور گردید آخرین سال های زندگی را در مکزیک سپری کند. با این وجود تروتسکی هرگز متزلزل نشد و بهترین نوشته‌های خود را در همین دوره به نگارش در آورد.

رهبری استالینیستی باعث یک سلسه شکست های پی در پی در جنبش کارگری جهان شد. دوباره موقعیت های نیمه انقلابی و انقلابی که باید تبدیل به انقلابات پیروزمند می شدند با پیروزی ارتجاع به پایان رسیدند.

بدترین شکست طبقه‌ی کارگر جهانی در سال ۱۹۳۳ در آلمان به وقوع پیوست. اهمیت پیروزی هیتلر در گشودن در به روی ارتجاع جهانی، به بزرگی پیروزی بلشویک ها در سال ۱۹۱۷ در بازگشایی درها به روی انقلاب جهانی بود. اما «بین الملل کمونیستی» در زیر سیطره‌ی استالین هیچ انتقادی به سیاست های حمایتی حزب کمونیست آلمان از فاشیست ها که سبب به قدرت رسیدن هیتلر شد، نکرد. استالینیست ها به جای مبارزه با فاشیست ها، مبارزه با رفورمیست ها را در دستور کار خود قرار دادند. دوباره و باز دوباره این

تجزیه و تحلیل تروتسکی بود که صحت خودش را به اثبات رسانید. هر چند، تروتسکی راهی برای گسترش بخشیدن به نظراتش و دست یافتن به پیروزی قابل توجه ایی در این دوره نداشت.

در مقابل ماشین هیولانی هیتلر که استخوان و روح هزاران انسان را خرد نمود، بین الملل استالینیستی مبدل به یک مذهبی شد که به تخدیر انسان ها در یک دنیای عاری از احساسات و عاطفه می پرداخت.

در آن زمان رد کردن [سیاست های] استالین به شدت دردناک بود- به دردناکی معتادی که سعی دارد مواد مخدرش را ترک نماید. من بخاطر دارم که دوستم یک جفت کفش روسی خرید و آن ها را بوسید، نه بخاطر این که او احمق بود بلکه به خاطر درد وحشتناک و ترسی که از آینده‌ی نامعلوم داشت این کار را کرد. در ژانویه ۱۹۳۳ هیتلر قدرت را در دست گرفت. در فوریه ۱۹۳۴، فاشیست ها طبقه‌ی کارگر اتریش را درهم کوبیدند و در همان ماه عمل مسلحانه را در پاریس سازماندهی کردند ( اگرچه آن ها این عمل را به خود نسبت داده و رد نمودند). هر روز صبح اولین چیزی را که در روزنامه ها جستجو می کردیم این بود که ببینیم چند کارگر مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. جذابیت و کشش روسیه و حزب استالینیست حاکم نیز تقریباً غیرقابل مقاومت بود. این باعث انزوای هر چه بیش تر تروتسکیست ها شد. آن ها مورد اذیت آزار بدنی توسط استالینیست ها قرار می گرفتند. من به خاطر دارم که «حزب کمونیست فلسطین» در یکی از اعلامیه هایش چطور نام و آدرس دو نفر را با عناوینی نظیر تروتسکیست، فاشیست و جاسوس پلیس انتشار داد. نتیجه این شد که آن دو نفر بلافاصله به وسیله‌ی پلیس انگلیس دستگیر شدند.

اما اذیت و آزارهای فیزیکی مساله‌ی اصلی نبود بلکه مورد اصلی احساس درماندگی ایی بود که در مواجهه با ماشین نظامی عظیم آلمان (هیتلریزم) و حریفش یعنی ارتش سرخ روسیه (استالینیزم) به وجود می آمد.

پس «دادگاه های مسکو» چطور؟ بعد از وارد کردن اتهاماتی نظیر «جاسوسی به نفع نازی ها» به رهبران انقلاب اکتبر، بخش زیادی از کمیته‌ی مرکزی حزب لنین، رئیس کمینترن و رهبر اصلی ارتش سرخ [از جانب دستگاه سرکوب استالین]؛ باید بسیار احمقانه به نظر برسد که اعتبار استالین خراب و به موقعیت تروتسکی کمک گردد. در حقیقت عکس این مساله اتفاق افتاد، ترس از نازیزم و ناتوانی در روبرو شدن با آن چیزی که به وسیله‌ی دادگاه های مسکو پرورده می شد نه به تروتسکی بلکه به استالین مدد رساند.

تفکر مستدل تروتسکی در هیچ صورتی [در آن مقطع] نمی توانست آرزوهای شکست خورده ی کارگران را ارضاء کند. در هر بحران جدیدی چیزی که بالاتر از همه ضرورت دارد یک حزب انقلابی توده ایی است که وضعیت موجود را به انقلاب پیروزمند تبدیل سازد. اما در آن مقطع چنین حزبی وجود نداشت و بسیار مشکل بود که چنین حزبی ساخته شود. درد و ناتوانی [طبقه‌ی کارگر و رهبران] به ناتوانی بزرگ تر هدایت و درد بزرگ تر به شکست بزرگ تر تبدیل شد که به نفع استالینیزم از طرفی و نازیزم از طرف دیگر تمام شد.

در یک سلسله شکست های جنبش تروتسکیستی، مسائل تاریخی و بیولوژیکی از هم تفکیک ناپذیرند. تروتسکی که رهبر میلیون ها نفر در بین سال های ۱۹۲۱-۱۹۱۷ بود مبدل به رهبر گروه های بسیار کوچک شد. او

بهای شکست جنبش را با خونسپرداخت. این واقعیت دارد که تاریخ ما مملو از شهیدانی است که زندگی خود را در راه هدفشان از دست دادند؛ از ۳۰۰۰۰ نفر جانباخته در کمون پاریس گرفته تا شخصیت های نظیر لوکزامبورگ و کارل لیکنخت. اما تروتسکی بهای سنگین تری از هر کس دیگر پرداخت نمود؛ آن ها فقط یک بار کشته شدند اما تروتسکی بارها کشته شد. از چهار فرزندش دو نفر در بازداشتگاه های استالین جان باختند، یکی دیگر مجبور به خودکشی در برلین و دیگری در پاریس کشته شد. اولین همسر تروتسکی به سیبری تبعید و در آنجا مرد و سرانجام تروتسکی خودش به وسیله ی تروریست استالین به قتل رسید.

تاریخ اثبات خواهد کرد که ایده های اساسی تروتسکی نظیر دفاع از انترناسیونالیزم، دفاع از دموکراسی کارگری، مخالفت با هرگونه بوروکراسی و اعتماد به توانایی طبقه ی کارگر در دست یافتن به آزادی، به عنوان مهم ترین میراث [طبقه ی کارگر] باقی خواهد ماند. در این راستا، آینده متعلق به تروتسکی و تروتسکیزم خواهد بود.

تونی کلیف

ترجمه: ر. راسخ

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری